

بایسته‌های دیوان کیفری بین‌المللی در تئوری و عمل

**با تکیه بر رابطه بین دادستانی، شعبه
مقدماتی و شورای امنیت**

مؤلفین:

دکتر سید باقر میرعباسی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سید مرتضی میرعباسی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه

سرشناسه	: میرعباسی، سیدباقر، ۱۳۲۲-
عنوان و نام‌پدیدآور	: بایسته‌های دیوان کیفری بین‌المللی در تئوری و عمل با تکیه بر رابطه بین دادستانی، شعبه مقدماتی با شورای امنیت / نویسندگان: سیدباقر میرعباسی، سیدمرتضی میرعباسی.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۹ ص.
شابک	: 978-600-114-375-5
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۳۱] - ۱۳۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: دیوان کیفری بین‌المللی
موضوع	: سازمان ملل متحد، شورای امنیت
موضوع	: آیین دادرسی جزایی (حقوق بین‌الملل)
شناسه افزوده	: میرعباسی، سیدمرتضی، ۱۳۶۵-
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ب۲/م۸۶/۱۰/۱۳۱۰ KZ
رده‌بندی دیوینی	: ۳۴۵/۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۴۸۰۸۰



انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و علوم سیاسی

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان لبافی‌نژاد،

نرسیده به خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۴، واحد ۲

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

بایسته‌های دیوان کیفری بین‌المللی در تئوری و عمل

با تکیه بر رابطه بین دادستانی، شعبه مقدماتی و شورای امنیت

مؤلفین: دکتر سید باقر میرعباسی، سید مرتضی میرعباسی

چاپ اول: ۱۳۹۳ - شمارگان: ۵۰۰ جلد

حروفچینی: زرنکاران مهرخلاق - قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-375-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۳۷۵-۵

فهرست مطالب

علائم اختصاری.....	۱۱
پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه و طرح بحث.....	۱۵

بخش اول: پیش‌زمینه‌ها، سابقه و چگونگی تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی

طرح بحث.....	۲۱
فصل اول: پیش‌زمینه‌ها و سابقه تشکیل محاکم کیفری خاص.....	۲۲
طرح بحث.....	۲۲
مبحث اول: پیش‌زمینه‌ها.....	۲۲
مبحث دوم: سابقه تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی.....	۲۶
گفتار اول: تشکیل محاکم کیفری خاص قبل از جنگ جهانی دوم.....	۲۶
گفتار دوم: تشکیل محاکم کیفری خاص بعد از جنگ جهانی دوم (نورنبرگ و توکیو).....	۲۷
گفتار سوم: تأسیس محاکم کیفری خاص یوگسلاوی سابق و رواندا.....	۳۱
فصل دوم: ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی.....	۳۴
طرح بحث.....	۳۴
مبحث اول: پیشینه مختصر تهیه و اشاره به مفاد اساسنامه و دیوان.....	۳۴
مبحث دوم: اهداف و صلاحیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی.....	۳۷
گفتار اول: اهداف دیوان.....	۳۷
گفتار دوم: صلاحیت دیوان.....	۳۸
بند اول: صلاحیت موضوعی (جرائم قابل تعقیب توسط دیوان).....	۳۸
بند دوم: صلاحیت سرزمینی.....	۳۹
بند سوم: صلاحیت شخصی دیوان.....	۳۹

بند چهارم: صلاحیت تکمیلی.....	۳۹
مبحث سوم: ساختار و تشکیلات قضایی و اداری و اعضاء دیوان کیفری بین‌المللی.....	۴۱
گفتار اول: ساختار قضایی دیوان کیفری بین‌المللی.....	۴۱
بند اول: سازمان قضایی.....	۴۱
بند دوم: هیأت رئیسه.....	۴۳
بند سوم: وظایف هیأت رئیسه.....	۴۳
بند چهارم: شعبات دیوان کیفری بین‌المللی.....	۴۴
الف: بخش تجدیدنظر.....	۴۴
ب: بخش بدوی دادگاه.....	۴۴
ج: بخش مقدماتی (یا پیش رسیدگی).....	۴۴
د: وظایف.....	۴۵
گفتار دوم: ساختار اداری دیوان.....	۴۵
بند اول: دبیرخانه.....	۴۵
بند دوم: کارکنان دبیرخانه.....	۴۶
بند سوم: امتیازات و مصونیت و حقوق و مزایا و هزینه‌ها (بموجب مواد ۴۸ و ۴۹ اساسنامه).....	۴۷
گفتار سوم: کشورهای عضو دیوان و لیست دعاوی مطروحه.....	۴۸
بند اول: کشورهای عضو دیوان.....	۴۸
بند دوم: دعاوی جاری در برابر دیوان.....	۵۰
*فشرده‌ای از آنچه که درباره دیوان بین‌المللی کیفری گفته شد یا Z.C.C در یک نگاه	
۱- مقدمه؛ ۲- تاریخچه؛ ۳- سازمان؛ ۴- صلاحیت‌ها؛ ۵- پرونده‌ها و ۶- بحث‌های بعدی؛	
۷- اسامی قضات.....	۵۲
فصل سوم: پیش زمینه‌های وضعیت‌های ارجاعی به دیوان کیفری بین‌المللی.....	۵۸
طرح بحث.....	۵۸
مبحث اول: آفریقا بستر مخاصمات یا آزمایشگاه وضعیت‌های ارجاعی.....	۵۹
مبحث دوم: سودان (پیش آگاهی‌های حقوقی).....	۶۳
نتیجه‌گیری بخش اول.....	۶۶
بخش دوم: بررسی نظری و عملی رابطه دادستانی با شعبه مقدماتی	
طرح بحث.....	۶۹
فصل اول: معرفی نظری و اجمالی دادسرا و نیز معرفی جایگاه دادستان در صحن دادسرا و	
صلاحیت‌های آن.....	۷۰

۷۰	طرح بحث.....
۷۰	مبحث اول: دادسرا «دادستانی» در دیوان.....
۷۲	مبحث دوم: دادستان.....
۷۳	مبحث سوم: وظایف و اختیارات دادستان.....
۷۵	مبحث چهارم: جایگاه دادستان و معاونان او در صحن دادسرا.....
۷۹	فصل دوم: شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی.....
۷۹	طرح بحث.....
۷۹	مبحث اول: دادستانی با استقلال کامل یا مقید.....
۸۱	مبحث دوم: وظایف شعبه مقدماتی در ارتباط با دادستان.....
۸۶	فصل سوم: وضعیت‌های ارجاع شده به دیوان کیفری بین‌المللی.....
۸۶	طرح بحث.....
۸۶	مبحث اول: فهرست خلاصه‌ای از وضعیت‌های ارجاع شده به دیوان کیفری بین‌المللی.....
۸۷	گفتار اول: لیست وضعیت‌های ارجاع شده به دیوان.....
۸۷	گفتار دوم: خلاصه‌ای از وضعیت‌های ارجاع شده به دیوان.....
۸۷	بند اول: خلاصه وضعیت شمال اوگاندا ارجاع شده به دیوان.....
۸۹	بند دوم: خلاصه وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو.....
۹۲	بند سوم: ارجاع وضعیت توسط جمهوری آفریقای مرکزی به دیوان.....
۹۵	بند چهارم: بررسی مختصر وضعیت کنیا ارجاع شده به دیوان.....
۹۷	بند پنجم: ارجاع وضعیت لیبی به دادستان توسط شورای امنیت.....
۹۹	بند ششم: بررسی وضعیت دارفور در سودان.....
۱۰۰	مبحث دوم: شیوه‌های ارجاع وضعیت‌ها به دادستان دیوان.....
۱۰۰	گفتار اول: مبانی نظری و اساسنامه‌ای ارجاع وضعیت‌ها به دادستانی دیوان.....
۱۰۱	گفتار دوم: ارجاع وضعیت دارفور سودان توسط شورای امنیت به تفصیل.....
۱۰۴	بند یک: واقعه نگاری.....
۱۰۵	بند دوم: گزارش وقایع در جریان مخاصمه مسلحانه دارفور.....
۱۱۰	بند سوم: طرح موارد نقض حقوق غیر نظامیان.....
۱۱۰	بند چهارم: بررسی اتهام نسل‌کشی در دارفور.....
۱۱۲	بند پنجم: اتهام جنایت علیه بشریت.....
۱۱۳	بند ششم: تجاوز جنسی.....
۱۱۴	بند هفتم: قتل.....
۱۱۵	بند هشتم: بررسی اتهام جنایت جنگی.....

گفتار سوم: مسئولیت کیفری رئیس‌جمهور سودان.....	۱۱۷
گفتار چهارم: تصمیم احتمالی شعبه ۳ بدوی دیوان کیفری بین‌المللی و نتیجه‌گیری فصل.....	۱۲۰
فصل چهارم: نگاه اجمالی به اختلاف آراء میان شعبه مقدماتی و دادستان در برخی از پرونده‌ها و نیز اشاره به رابطه بین شورای امنیت با دادستانی.....	۱۲۲
طرح بحث.....	۱۲۲
مبحث اول: نگاهی اجمالی به اختلاف آراء میان دادستان و شعبه مقدماتی دیوان در برخی از پرونده‌های مفتوحه جدید.....	۱۲۳
گفتار اول: پرونده عمر البشیر.....	۱۲۳
گفتار دوم: پرونده ادريس ابوگاردا.....	۱۲۴
مبحث دوم: رابطه بین شورای امنیت سازمان ملل متحد با دادستانی.....	۱۲۵
گفتار اول: مواد مرتبط با شورای امنیت.....	۱۲۶
گفتار دوم: توانایی دخالت شورای امنیت در دیوان کیفری بین‌المللی بر طبق اساسنامه...۱۲۶	۱۲۶
گفتار سوم: ماده ۱۳ و ماده ۱۸ تدوین صلاحیت جهانی ثانویه.....	۱۲۷
گفتار چهارم: دخالت شورای امنیت در استقلال دیوان کیفری بین‌المللی.....	۱۲۹
گفتار پنجم: اعتراض به پذیرش یا عدم پذیرش از جانب شورای امنیت.....	۱۳۱
نتیجه‌گیری بخش دوم.....	۱۳۱
نتیجه‌گیری کلی.....	۱۳۲
ضمیمه (۱ و ۲).....	۱۳۵
منابع و مأخذ.....	۲۳۵
بخش اول: منابع فارسی.....	۲۳۵
بخش دوم: منابع انگلیسی.....	۲۳۸

Abbreviations

- A.J.I.L. = American Journal of International Law
- A.U. = African Union
- A.S.P. = Assembly of State Parties
- C.U.P. = Cambridge University Press
- I.C.C.= International Criminal Court
- I.C.J.= International Court of Justice
- I.L.C.=International law Commission
- J.C.C.D. = Jurisdiction, Complementarity and Cooperation Division
- O.T.P.= Office of the Prosecutor
- O.U.N.= Organisation of the United-Nations
- O.U.P.= Oxford University Press
- U.N. = United Nations

اختصارات

- مجله آمریکائی حقوق بین الملل
- اتحادیه آفریقائی
- مجمع دول عضو (اساسنامه رم)
- انتشارات دانشگاهی کمبریج
- دیوان کیفری بین المللی
- دیوان بین المللی دادگستری
- کمیسیون حقوق بین الملل (سازمان ملل متحد)
- بخش صلاحیت و همکاریهای تکمیلی
- اداره دادستانی
- سازمان ملل متحد
- انتشارات دانشگاهی آکسفورد
- ملل متحد

پیشگفتار

کتاب حاضر تحت عنوان: «بایسته‌های دیوان کیفری بین‌المللی در تئوری و عمل با تکیه بر رابطه بین دادستانی، شعبه مقدماتی و شورای امنیت» متشکل از یک مقدمه، دو بخش اصلی و یک نتیجه‌گیری کلی است.

در مقدمه، به‌طور خلاصه از پیشینه ارتکاب جرم و جنایت در ادوار مختلف تاریخی و نحوه عکس‌العمل جوامع در قبال آن بحث و سپس به چگونگی انجام تحقیق از جمله طرح سؤال اصلی، سؤالات فرعی، ادبیات تحقیق، روش تحقیق و مفاهیم کلیدی صحبت به میان آمده است.

متن کتاب، شامل دو بخش اصلی است. در بخش اول، به پیش‌زمینه‌ها، سابقه و چگونگی تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و پیش‌زمینه‌های ارجاع وضعیت‌ها می‌پردازد. که هر کدام در فصل‌های جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از پی‌ریزی موازین پایه‌ای بحث، وارد بخش دوم کتاب شدیم. در بخش دوم کتاب هم به ترتیب به معرفی دادسرا و شعبه مقدماتی و اختیارات آنها و روابط متقابل و تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر با عنایت به وضعیت‌های ارجاع شده به دیوان و آن هم با تکیه بر پرونده عمر البشیر در سودان پرداخته و النهایه، رابطه شورای امنیت با دادستانی مورد کنکاش و تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری این بخش از کتاب حکایت از آن دارد که از میان وضعیت‌های ارجاع شده تاکنون دو مورد توسط شورای امنیت و چهار وضعیت دیگر یا توسط خود دولت‌ها (Self- Referral) و دو مورد از طریق ارجاع دادستان براساس قاعده Proprio motu

صورت گرفته است. و همهٔ این وضعیت‌ها از قارهٔ به استضعاف کشانده شده آفریقا است که در این قسمت از تحقیق تلاش شده تا چون و چرایی این امر مورد مذاقه قرار گیرد. به‌طور خلاصه، این تحقیق درصدد نمایان ساختن نقش حساس و اولیه نهادهای موضوع مطالعه با تکیه بر نقش و جایگاه تأثیرگذار شورای امنیت سازمان ملل متحد در روند دادرسی‌های کیفری بین‌المللی برآمده است.

مقدمه و طرح بحث

وقوع جرم و جنایت در تمامی دوران‌ها و از زمانی که انسان پا به عرصه‌ی وجود گذاشت همواره وجود داشته است. جنایات شنیع و تکان‌دهنده‌ای که روح هر انسانی را می‌آزرد و سکوت در برابر آن غیرممکن به نظر می‌رسید. در هر صورت در هر مرحله از زندگی، جوامع بشری به فراخور شرایط موجود در آن زمان عکس‌العمل متفاوتی در برابر جرائم داشتند. مثلاً هنگامی که هنوز جوامع به شکل مدرن امروزی شکل نگرفته بود، رایج‌ترین عکس‌العمل‌ها در برابر جرم و جنایات انتقامجویی خصوصی بود. یعنی هر بزه دیده‌ای سعی بر این داشت که خودش در برابر مجرم در آید و او را به سزای اعمالش برساند و اگر هم بزه دیده قربانی می‌شد خانواده‌های قربانی و جانی در مقابل هم قرار می‌گرفتند.

در واقع اجرای عدالت کیفری موضوعی است که از ابتدای خلقت، ذهن انسان را به خود مشغول کرده است و این اجرای عدالت در هر مقطعی با توجه به شرایط موجود شکل و رنگ خاصی به خود می‌گرفت.

هگل معتقد است: «کیفر چیزی نیست جز یکی از نمودهای جرم، یعنی نیمه‌ای از جرم است که نیمه‌ی دیگر آن را ایجاد می‌کند» در واقع این تعریف انتقام‌جویی شخصی (Personal justice) است که مربوط به جوامع ماقبل مدرن است.

اما این نوع از اجرای عدالت کیفری با دو مشکل اساسی روبرو بود: اول اینکه عمل و عکس‌العمل با هم تناسب نداشت یعنی این انتقام و کین‌خواهی به هر نحوی انجام می‌شد یا بزه دیده حقش ضایع می‌شد و عدالت به نحو احسن در موردش اجرا نمی‌شد.

دوم، آن دسته از افراد جامعه که دارای جایگاه و منزلت بالایی در جامعه نبودند چنانچه مورد ظلم و جنایت از طرف اقویا قرار می‌گرفتند نمی‌توانستند حقشان را از آنها بگیرند زیرا توان و قدرت مقابله با آنها را نداشتند.

«اندیشه‌ی تأسیس یک مرجع دادرسی بین‌المللی برای رسیدگی به نقض مهمترین ارزش‌های انسانی به سال‌های بسیار دور بر می‌گردد. نخستین کسی که چنین اندیشه‌ای را ابراز کرد «گوستا موینی»^۱ سوئسی و یکی از بانیان صلیب سرخ جهانی بود، در واقع رخدادهای نفرت‌انگیز به هنگام جنگ فرانسه و پروس و وحشی‌گری‌های سپاهیان از هر دو طرف در طی سال‌های ۱۸۷۱ او را به این تفکر سوق داد»^۲.

به هر حال، ذهن بشر همیشه به دنبال این مسئله بوده که یک نهاد قوی در سطح جامعه بین‌المللی وجود داشته باشد که در هر نقطه از جهان جرمی اتفاق می‌افتد از دید آن مخفی نماند در واقع سازمانی وجود داشته باشد که نور و روشنایی خود را متوجه تمام کره خاکی کند.

و همچنین می‌توان گفت که در زمان‌های گذشته بهترین ابزار و راه‌حلی که برای بر طرف کردن اختلاف در جوامع مرسوم بود توسل به جنگ و خونریزی بود در واقع مشکل و اختلاف حل نمی‌شد، مگر اینکه یکی از دو طرف اختلاف از میان برداشته شود یعنی همان چیزی که امروزه به آن پاک کردن صورت مسئله گفته می‌شود.

«بر همین اساس وجود جنگ‌های زیاد در تاریخ، بعضی از علمای حقوق را به این نتیجه رسانده بود که جنگ تقریباً «یک وضع عادی و طبیعی» است. زیرا جامعه بشری از ۳۴۰۰ سال تاریخ مدون خود، فقط ۲۵۰ سال را در صلح به سر برده و قسمت اعظم عمر خود را مستقیم یا غیرمستقیم با جنگ سپری کرده است»^۳.

بنابراین اگر همین روش (توسل به جنگ برای حل اختلاف) ادامه می‌یافت دیگر چیزی از جهان و جهانیان باقی نمی‌ماند؛ زیرا همانطور که می‌دانیم وقوع جنگ علاوه بر وحشیگری‌ها - خونریزی‌ها - ویرانگری‌ها، ریشه‌ی یک جامعه را از همه لحاظ

۱- Gustave Moynier

۲- محمدعلی، اردبیلی، حقوق بین‌المللی کیفری، گزیده مقالات، نشر میزان، سال ۱۳۸۳، ص ۱۳.

۳- سید باقر، میرعباسی، سادات میدانی، سید حسین، دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل، چاپ سوم، نشر جنگل، سال ۱۳۸۹، ص ۳.

می‌خشکاند و اثرات ناشی از جنگ تا چندین نسل در آن جامعه از همه لحاظ باقی خواهد ماند و تا سال‌ها مانع از رشد سریع یک جامعه می‌شود و در واقع می‌توان گفت به نحوی آن جامعه را به گوشه‌ای میراند، و باعث منزوی شدن جامعه، و یک نوع سرخوردگی برای آن خواهد شد.

حال اگر بخواهیم دقیق‌تر شویم و به آمار علمی برای تأکید بر کثرت جنگ‌های ویرانگر پردازیم باید بگوئیم که مطالعات علمی و جامعه‌شناسی جنگ نشان داده است که «جهان از جنگ جهانی دوم تاکنون فقط معادل ۲۶ روز را در صلح به سر برده است و براساس این‌گونه محاسبات، جهان در هر سال فقط ۳ روز را در صلح گذارنده است»^۱ و با توجه به این آمار باید با اطمینان گفت که روزی نبوده است که در جهان جنگ نبوده باشد.

در ضمن باید به این نکته نیز توجه کرد که جنگ‌ها در زمان‌های گذشته تنها محدود به همان برهه‌ی زمانی بوده است یعنی نزاع از یک تاریخ شروع و در یک تاریخ پایان می‌یافت و دیگر اثرات آن متوجهی آینده جوامع نمی‌شد.

اما امروزه جنگ‌ها بسیار مکانیزه‌تر و مدرن‌تر شده‌اند در واقع ظاهر جنگ‌های امروز بسیار تمیزتر ولی آثار آن بسیار مخرب‌تر و زیاده‌تر و نابودکننده‌تر است. زیرا امروزه در جنگ‌ها نسل آن جامعه و نسل‌های آینده‌اش نیز مدنظر است و چندین نسل آینده یک جامعه و ملت را به خطر می‌اندازد.

در اصل باید گفت جنگ‌های مدرن امروزه دارای اهداف انسانی - فرهنگی و زیست محیطی‌اند که بسیار ویرانگرتر نسبت به گذشته‌اند.

با این وجود و با داشتن چنین جامعه‌ی جهانی آیا به نظر نمی‌رسد وجود یک سازمان و مرجع بین‌المللی قضایی قوی که مورد قبول جامعه جهانی باشد ضروری‌تر از هر چیز دیگر است؟

آیا به نظر نمی‌رسد که دیگر دوران غارتگری - خون‌ریزی و زورگویی به پایان رسیده و راه‌حل‌های بهتری از جنگ نیز وجود دارد که به مراتب مؤثرتر از ویرانگری است؟!

به نظر می‌رسد براساس همین نظریه‌ها و طرح چنین سؤال‌هایی بود که جامعه بشری به فکر ایجاد یک مرجع مستقل قضایی از تمامی لحاظ افتاد تا چنانچه جرائمی که وجدان و روحیه بشریت را خدشه‌دار می‌کند جدای از اینکه آن جرم در کجا و یا توسط چه کسانی انجام می‌گیرد، مورد پیگرد قرار دهد تا روح بشریت از مجازات عاملین این جنایات آرام گیرد و تلقی وجود احساس امنیت در سطح جامعه بین‌المللی پررنگ‌تر گردد. اهمیت این مسئله که دنیای کنونی چندقطبی شده است نیز می‌تواند وجود یک دیوان بین‌المللی را به‌طور قطع و یقین مورد تأیید و تأکید قرار دهد. باید گفت که این چندقطبی شدن جامعه جهانی نه‌تنها باعث صلح و آرامش در جامعه جهانی نشده است بلکه باعث ایجاد تنش و برخورد بیشتر ملل با یکدیگر شده است.

زیرا در یک سمت کشورهای تابع نظام سرمایه‌داری یعنی کشورهای که همواره سایر جوامع را تحت استعمار خود قرار داده‌اند، قرار دارند. این نظام‌ها که خود را غول اقتصادی جهان می‌دانند بر این اعتقادند که سایر جوامع ضعیف‌تر باید تحت سلطه و اطاعت آنها باشند زیرا این کشورهای سلطه‌جو و چپاولگر بر این عقیده‌اند که جامعه جهانی براساس تفکر و راهکارهای آنها پیش می‌رود و در واقع خود را بنیانگذار و پادشاه جامعه جهانی به حساب می‌آورند. در سمت دیگر قضیه جوامعی هستند که بعد از آن که توانستند خود را از یوغ استعمار و استثمار کشورهای دسته اول خارج کنند به رشد خوبی دست یافته‌اند و سیاست اصلی خود را بر این موضوع قرار داده‌اند که تا آنجایی که امکان دارد با توجه به داشته‌ها و سرمایه‌های خود پیشرفت و ترقی کنند و دیگر به کشورهای سلطه‌گر در هیچ زمینه‌ای اجازه‌ی دخالت در کشورشان را ندهند.

بنابراین در نتیجه‌ی این‌گونه کشمکش‌ها یعنی زورگویی کشورهای دسته اول و زیر بار نرفتن کشورهای دسته دوم، روزی نیست که جامعه جهانی بوی جنگ، تجاوز و خونریزی را احساس نکند و در جامعه جهانی کنونی هر لحظه این احتمال قوی وجود دارد که کشورها به جان یکدیگر بیفتند و از آنجایی که امروزه آغاز نمودن جنگ بسیار آسان شده و انواع بهانه‌ها از قبیل: از بین بردن تروریسم - ایجاد آزادی در مملکتی (دمکراسی) - به وجود آوردن زندگی شاد و خوب برای افراد جامعه و از این قبیل بهانه‌ها خیلی راحت کشورها در برابر هم وارد عمل می‌شوند.

پس اگر یک مرجع قوی بین‌المللی که مورد قبول تمامی کشورها و به‌طور کلی جامعه جهانی وجود نداشته باشد که بتواند جلوی این برخوردها را بگیرد و یا اینکه جنایتکاران بین‌المللی را تحت تعقیب قرار ندهد دیگر چیزی از بشریت باقی نخواهد ماند. در هر صورت با توجه به مطالبی که گفته شد جهان وجود چنین مرجعی را جزء نیازهای اساسی خود قرار داد و این موضوع بعد از جنگ سرد بسیار بیشتر به چشم آمد مسائلی هم‌چون ملی‌گرایی، ازدیاد فقر، فاصله بین فقیر و غنی، تنفрат قومی و... که باعث ایجاد خشونت و خون‌ریزی‌های بسیاری شد.

به تدریج این مسائل باعث شد تا نیاز به یک رشته جدید حقوق بین‌الملل به نام حقوق کیفری بین‌المللی یا حقوق جرائم بین‌المللی شکل گیرد، این شاخه از حقوق در واقع مجموعه موازینی ناشی از اراده و توافق جمعی دولتهاست، بنابراین با این طرز نگاه وقتی جرمی در صحنه بین‌المللی رخ دهد حقوق تمامی دولت‌های عضو را زیر سؤال برده است و این دول خود را مسئول می‌دانند تا به این جرم رسیدگی کنند.

رسیدگی به جرائم بین‌المللی اگرچه از قرن بیستم مطرح شد و بر سر زبان‌ها آمد اما این مسئله در واقع نیازی بود که جزء آرزوهای بشریت به حساب می‌آمد و این مسئله بعد از دو جنگ جهانی که فجایع و خرابی بسیاری که به بار آورد و از همه مهمتر این مسئله که سران دولتی که در جنگ پیروز شده‌اند با مسئولین دول شکست خورده همانند مجرم برخورد کردند.

لذا، از دیرباز جامعه بین‌المللی در آرزوی داشتن یک مرجع رسیدگی دایمی در سطح جهانی به‌سر برده و از فراز و نشیب‌هایی هم در راه رسیدن به این آرمان بشری گذر کرده است. سرانجام در نیمه دوم سده بیستم میلادی بوده است که جامعه جهانی به یک توافق عام بر روی تعاریف جرائم سنگین مانند کشتار جمعی یا نسل‌زدایی، جرایم علیه بشریت، و جرایم جنگی دست یافته است.

با توجه به آنچه که گذشت سعی می‌شود که در بخش اول به‌صورت اجمالی به چگونگی به وجود آمدن سازمان دیوان کیفری بین‌المللی و عوامل و وقایعی که پیش‌زمینه‌های به وجود آمدن دیوان و وضعیت‌های مرجوعه شد، اشاره گردد. در بخش دوم این تحقیق به موضوع اصلی که همان ارزیابی چگونگی رابطه بین دادسرا و شعبه مقدماتی است، در تنوری و عمل پرداخته شود. بالتبجه، این تحقیق پس از شرح

مختصر پیش‌زمینه‌ها و سازمان و تشکیلات دیوان بین‌المللی کیفری و وضعیت‌های ارجاعی، در مقام تبیین دادرسی این دیوان و ایجاد شعبه مقدماتی یا پیشین محاکمه (Pre-Trial Chambers) و علی‌الخصوص تجزیه و تحلیل روابط تثوریک و عملی این دو بوده و با توجه به ارجاع پرونده دارفور به دیوان تأثیر و تأثر آنها را مورد کنکاش قرار داده و در عین حال به‌طور حاشیه‌ای و ناگزیر از پرداختن به رابطه شورای امنیت سازمان ملل متحد و دادستانی می‌باشد.

بالتجیه اگر حقوق حاکم بر دیوان کیفری بین‌المللی را با یک نگاه اجمالی به دو بخش «قواعد شکلی» و «قواعد ماهوی» تقسیم‌بندی نماییم می‌بینیم که موضوع مورد مطالعه این کتاب به‌جز موارد استثنائی، به مبحث قواعد شکلی معطوف است. پس به‌طور خلاصه باید بگوییم که سؤال اصلی این تحقیق بررسی رابطه دادرسی و شعبه‌ی مقدماتی در چارچوب دیوان کیفری بین‌المللی است.

سؤالات فرعی که در این راستا مطرح می‌گردد: پس از شرح مختصر سازمان دیوان و صلاحیت‌های آن و پیش‌زمینه‌های ارجاعی وضعیت‌های ارجاع شده به علل و موجبات در نظر گرفتن دادرسی و نیز پیش‌بینی یک شعبه مقدماتی پرداخته و سپس در مقام تبیین تأثیر و تأثر این دو بر هم و النهایه، رابطه این مجموعه با شورای امنیت برخوایم آمد و همه اینها، با ذکر پرونده‌ها و نمونه‌های مختلف با تکیه بر پرونده عمر البشیر مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت. سرانجام یادآوری می‌شود که درباره «دیوان بین‌المللی کیفری» و «صلاحیت‌های آن» ادبیات حقوقی فراوانی وجود دارد که از میان آنها به: میرمحمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر و طهماسبی جواد، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، نشر، جنگل... و کتب و ترجمه‌ها و نیز مجموعه مقالات در خصوص حقوق کیفری بین‌المللی به رشته تحریر درآمده است. اما به جرأت می‌توان گفت که هیچ‌یک از این منابع به صورت خاص به موضوع تحقیق این کتاب نپرداخته‌اند.

النهایه واژگان کلیدی تحقیق عبارتند از: دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان‌های کیفری خاص، صلاحیت محاکم کیفری، دادرسی و دادستانی دیوان، شعب مقدماتی، شورای امنیت و ...